

اشک پدر

گوشه ای از خاطرات حسینعلی رضوی

انتشارات نوید شیراز



رضوی، حسینعلی، ۱۳۳۲ -	ترسناک
اشک پدر: (گوشه‌ای از خاطرات حسینعلی رضوی)/حسینعلی رضوی.	عنوان و نام پدیدآور
شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۳.	موضوعات نشر
۱۲۸ ص: مصور.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۴۴-۹ :	شابک
فیفا :	وضعیت دسترسی
واژه نامه	یادداشت
رضوی، حسینعلی، ۱۳۳۲ -	موضوع
موضوع: ایران - خاطرات	موضوع
۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۴۴-۹ : LBY۲۸۳۲/۴/الف	رده بندی کنگره
۱۵۵ : ۳۱/۱	رده بندی دیویی
۶۴۸ :	شماره کتابشناسی ملی



اشک پدر

حسینعلی رضوی

طرح جلد: نجمه شهابی □ لیتوگرافی: آرش □ چاپ: واصل شیراز، ۱۱۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۳ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۲۲۶۶۶۱ نمابر ۰۷۱۱-۲۳۲۹۶۷۶ □ ص.پ.: ۷۱۰۶۵

دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰ نمابر ۰۲۱-۸۸۹۲۱۵۲۲

پست الکترونیکی: info@navides.hiraz.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۴۴-۹ ISBN: 978-600-192-344-9

۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۵	نیازی و نذری
۱۷	مکتب
۲۴	مأمور تقلب رسانی
۲۸	فلک
۳۰	انسان یا معلم ملائکه
۳۴	کارنامه
۳۸	اخلاق مدیر
۴۳	خوشترین سال‌های خدمتم
۴۸	معلم و شاگرد
۵۸	مدرسه سازی
۶۴	انحلال پاسگاه ژاندارمری
۶۸	شریت شلغم
۷۱	بازدید رئیس آموزش و پرورش از مدرسه من
۸۱	اعزام به جبهه
	لبخند مادر

۸۳	در معرض هجوم
۸۶	صلحیان
۹۰	عاشورا
۹۵	شیر نر
۹۸	مدیر چند پیشه
۹۹	همه جا معامله
۱۰۳	و مت
۱۰۸	بیدار باش
۱۱۴	زبان
۱۱۶	خصل اقای
۱۲۲	شرشر بره
۱۲۵	زنگ پایانی
۱۲۷	واژگان

مقدمه

وقتی به آن‌ها می‌نگرم، عمرم را پربار می‌بینم که به تعلیم و تربیت گذشت. در طول ۳۲ سال فعالیتهای آموزشی و پرورشی شاگردان زیادی را تربیت کردم. هم اکنون آن‌ها را در پست‌ها و مشاغل مختلف می‌بینم. این اشتغالات در پهنه‌ای از کارگری ساده تا مسؤلیت دفتر ریاست جمهوری انجام می‌شوند.

آری درختی سمن غنای گردهام، بار خدمت به خلق می‌دهد. الحمدلله رب العالمین! به ثمر نشستن درختان تلامذات من از دو امر نشأت گرفته است. از خانه و مدرسه. در این باره دو مطلب را اثری افزون است لاف‌چی و گم‌خوردن همت بلند پدرم با فکر بدیع و بی‌بدیل بزرگمرد جهان تعلیم و تربیت جناب مکی «محمد بهمن بیگی».

موج اشک پدر، مرا از محیطی تاریک بفرهنگ، به محیط نورانی علم و دانش برد و یکی از هزاران نفری هستم که راه تعلیم و تربیت را از بهم بیگی آموختم و به نوبه خود هزاران نفر را در شاهراه هدایت قرار دادم و به ساحل نجات رساندم. الحمد لله رب العالمین!

الگو: پشتکار و موفقیت من الگوی خوبی برای همه مسلمانان است که می‌خواهند با دست خالی و امکانات صفر بر قله‌های بلند کمال صعود کنند.

من تحصیلات ابتدایی را حضوری و تحصیلات راهنمایی و رشته ریاضی و فیزیک را در مقطع و دو سال اول دانشگاه را به صورت خود آموز به پایان رساندم...

وقتی در دانشگاه در کلاس حاضر شدم، احساس کردم، درس من را بیشتر باید بدانم. لذا یک کتاب صرف ساده خریدم، یک هفته اوقات فراغتم^۱ را به فراگیری مطالب آن کتاب گذراندم. فشار کار و تحصیل ظرف همان هفته باعث سفید شدن موهای دو شقیقه^۲م شد.

۱- من در زمان تحصیلات دانشگاهی علاوه بر فراهم کردن رفاه خانواده ۷ نفری ام روزها را در کلاس به تدریس می‌گذراندم و در استفاده از اوقات مرده کوشا بودم به طوری که درس منطق ۲ را به آموختن، در صف نانوائی اختصاص دادم و آن را با نمره ۱۹ گذراندم.

www.ketab

زمان بازنشستگی را مانند دیگران در شرکت‌های خصوصی یا مدارس غیر انتفاعی بیگاری نکردم یا در پارک‌ها به غیبت مردم نپرداختم بلکه به نویسندگی رو آوردم و با این کارم شعاع تعلیم و تربیت را از محدودهٔ کلاس به پهنهٔ نامحدود حضور جامعه توسعه دادم. من که در نوشته‌هایم از سبک نویسندگی استادم، جنت مکان محمد بهمن بیگی تأثیر پذیرفته‌ام، بعد از بازنشستگی ضمن نوشتن نامه‌ای به وی یادآور شدم که همهٔ پیشرفت‌هایم را به هون فکر بدیع و فداکاری‌های منحصر به فرد آن یکه‌تاز عرصه‌های تعلیم تربیت هستم. ایشان هم خصلت تشویق و ترغیب خود را تجدید کردند و در جوابم نوشتند:

دوست محترم و عزیز
جناب آقای حسین بی‌رضوی
نامه آن نویسنده نصیح و پر محبت رسید:
به لطف و مهارت شما من مکرم ولی از نویسندگی، بلاغت
و سادگی نویسی در دوست عزیزم حیرتم.
افسوس که در وصف این نامه‌ای است چاپ کردنی و نشان دادنی.^۱
تو با این قلم چه کرده‌ای؟ چه می‌نویسی؟
در این نامه چند صفحه‌ای یک لغزش هست. یک لغزش کوچک وجود ندارد.
انتخاب کلمات، در عبارات دلنشینی را کوتاه می‌نویس.
من از آن دوست ممنونم که مورد مرهم دادی. با بیشتر ممنونم
که چنین قدرت نگارش و تحریر را به من نشان داده‌اید.
تو قطعاً با آنکه بازنشسته‌ای پیر نیستی و جوان
بخوان و بنویس.
یکی از دوستان عزیز من جناب حسین بهشتی است. اهل باستان است به سیرجانی‌ها
علاقه خاصی دارد. در تهران زندگی می‌کند، به ایشان خواهش می‌کنم که اگر می‌تواند
با شما در تماس باشد.
بیش از این نمی‌نویسم.

بهمن بیگی

۲۸ شهریور ۸۴

۱- ابزار کار کشاورز بیل و وسیله کار مکانیک آچار است. ابزار کار من نیز همیشه قلم بوده که بعد از بازنشستگی نه تنها کنارش نگذاشتم بلکه آن را اختصاصی کردم. ضمناً گوهر استعدادم به نویسندگی به تأیید گوهرشناس بزرگ محمد بهمن بیگی و مدیر کل آموزش و پرورش استان کرمان جناب آقای احمد فتحی رسیده است.
۲- نامهٔ من به جناب استاد در کتاب نوشته‌هایی در بارهٔ بهمن بیگی چاپ شده است.

در سال ۱۳۹۰ که گروه جغرافیای استان کرمان در صدد گردآوری اطلاعات جغرافیایی از استان بر آمدند، با آنکه رشته تحصیلی ام الهیات و معارف اسلامی است، قلمم را در ارائه اطلاعات جغرافیایی هم آزمودم و ضمن نقل صفحاتی از کتاب چننه، ثابت کردم که هنوز قادرم پرتوی از سبک آموزش عمیق جغرافیا در دبستان‌های عشایری را، بر صق‌قط متوسطة هم بتابانم. تقدیرنامه ذیل توسط مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان تر همین رابطه است.

ضمناً تقدیرنامه دیگری در سال ۱۳۷۸ توسط مدیر کل آموزش و پرورش استان

کرمان
جناب آقای محمد تقی زاده از کارم به عمل آمده است.

www.ketabir

همکار گرامی: آقای حاج‌معلمی رضوی، شاعر، شاعر، نویسنده، ویراستار، مترجم، و...

احتراماً، باتوجه به پیشنهاد شماره ۱۵۰۰۸/۱۰/۱۱-۱۸۲/۲۹۱-۱۵۰۰۸/۱۰/۱۱ شماره فایده
و به پیروی از عمل آمده عملکرد جنابعالی در رابطه با انجام امور محوله مطلوب
تقدیر شده است که به مصداق حدیثه "من لم یشکراً المخلوق لم یشکراً الخالق"
از زحمات شما تقدیر و شکر بعمل می آید و توفیق روز افزون شما را از خداوند
مستعال خواندیم.

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان

به لحاظ پرهیز از اطالة کلام و ازدیاد قطر کتاب، از درج بیش از ۱۰۰ تقریرنامه از
رؤسای محترم ادارات آموزش و پرورش صرف نظر و فقط به تقاضای تقدیر از وزارت آموزش
و پرورش که در ص ۷۰ مندرج است بسنده می‌نمایم.